



شماره ۱۷، سال دوم - اسفند ماه ۱۳۸۴ برابر با مارس ۲۰۰۶

نشریه برونمرزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سر مقاله

هوشنگ کردستانی

آیا مردم ایران حق دارند که ...!

کاربدستان جمهوری اسلامی می گویند که غنی سازی اورانیوم در درون کشور حق طبیعی مردم ایران است. برخی از مخالفان نظام اسلامی هم این گفته را تکرار کرده و می کنند. بی تردید غنی سازی اورانیوم حق مردم ایران است ولی غنی سازی برای بهره گیری از فناوری هسته ای در زمینه های صلح آمیز. ولی آیا حقوق ملت ایران همین است که به غنی سازی اورانیوم دست یابند؟! آری، مردم ایران حق غنی سازی اورانیوم در داخل کشور را جهت بهره گیری از مقاصد صلح آمیز دارند و دنیا نیز این حق را می پذیرد. اگر قدرتهای جهانی به ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا امروز رو در روی جمهوری اسلامی ایستاده اند نه بخاطر انکار حق طبیعی مردم ایران بلکه به دلیل عدم اطمینان از عمل کرد حکومت اسلامی است. چگونه است که سردمداران جمهوری اسلامی از میان حقوق ملت ایران تنها به حق غنی سازی اورانیوم چسبیده و دیگر حقوق طبیعی و مسلم ملت را به رسمیت نمی شناسد؟

مردم ایران حق دارند که از آزادی اندیشه، بیان و نوشتار برخوردار باشند و به عنوان صاحبان اصلی کشور نوع نظام را مطابق خواست خود انتخاب کنند، نمایندگان و دولتمردان کشور را خود برگزینند و هر زمان، خلاقی مشاهده کردند آنها را برکنار و دیگران را به جایشان بگذارند. مردم ایران حق دارند که درآمد سرشار نفت و گاز و سایر منابع زیرزمینی که متعلق به نسل کنونی و نسل های آینده است در جهت ایجاد زیربنای محکم اقتصادی و کارخانه های تولیدی بکار گیرند تا بتوانند با کاری شرافتمندانه و در سایه تلاش و همت خود، صاحب زندگانی آسوده و آبرومند گردند و فرزندان شان را در پی کسب علم، دانش و فن روانه سازند و به این ترتیب: با تربیت فرزندان آینده ساز، گام های اساسی بقیه در ص ۶

درگذشت شادروان دکتر احمد مدنی

همانگونه که آگاه هستید ماه گذشته جبهه ملی یکی از یاران وفادار خود تیمسار احمد مدنی را از دست داد. شادروان احمد مدنی عضو قدیمی شورای مرکزی جبهه ملی و دبیر جبهه ملی خارج از کشور بود که با تأسف بسیار دیده از جهان فرو بست و همزمان و یاران خود را سوگوار نمود. ما در گذشت روانشاد دکتر احمد مدنی را به خانواده ایشان و به همزمان جبهه ملی صمیمانه تسلیت می گوئیم. روانش شاد

جهانگیر لقایی

جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد، اکنون بعنوان یکی از مرکزی ترین مسائل فکری دنیا در آمده و سبب شده است که مرزهای جغرافیایی مفهوم و معنای خود را از دست بدهند. دیگر، هیچ کشوری نخواهد توانست مرزهای خود را بر روی کشورهای دیگر ببندد.

جهانی شدن در عین حال بر گسترش مدرنیته - تجدد - تأثیر می گذارد. «واتوز» در کتاب «جهانی شدن» گفته است که جهانی شدن برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ عنوان شد، ولی من می خواهم به عقب و به سالهای اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوائل دهه ۱۹۷۰ برگردم. بقیه در ص ۴

در این شماره می خوانید:

- آیا مردم ایران حق دارند که ...! مهندس هوشنگ کردستانی
- جهانی شدن اقتصاد جهانگیر لقایی
- برنامه انرژی اتمی ایران شگردی در راستای حفظ نظام و ... دکتر حسن کیانزاد
- اعلامیه های حزب ملت ایران
- نامه ای از مهربان ایرانی
- در پرده خون شعری از ه. الف. سایه

ایران متعلق به همه ایرانیان است

برنامه انرژی اتمی ایران شگردی در راستای حفظ نظام و بحران آفرینی در عرصه سیاست خارجی، منافع و مصالح ملی کشورمان (بخش پایانی)

این حقیقتی که باید آن را بپذیریم و بر این حقیقت غرب و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس در درازای مذاکرات خود با حکومتگران در ایران آشکارا باور دارند و در این میان می دانند که مذاکرات چند ساله آنان عبث بوده و ادامه آن هم قویاً بیفایده است و تنها آنچه که شاید بتواند ملایان حاکم در ایران را بخود بیاورد، شمشیر داموکلس یعنی ارجاع این مسئله به شورای امنیت سازمان ملل متحد می باشد با فرایند تحریم های گسترده سیاسی و اقتصادی و انزوای ایران که آمریکا از آن سخت پشتیبانی می کند. در این راستا، نیکولاس ریشر Nicolac Richter در روزنامه زود دویچه زایتونگ در تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۰۵ می نویسد: شکی نیست که که ارجاع کار به شورای امنیت، تنها راهی است که برای غرب باقی مانده است، مسئولین حکومت در ایران، غرب را در ۲۰ سال گذشته فریب داده و بر خلاف قرارداد منع گسترش، برنامه غنی سازی اورانیوم را پنهانی به پیش برده اند. رژیم حاکم در ایران، تنها آن هنگام اطلاعات لازم را در اختیار آژانس انرژی اتمی گذارده که دیگر راه گریزی برایش باقی نمانده بوده است.

سالیان درازی ست که آنها با کجدار و مریز با بازرسان آژانس رفتار کرده اند. این بار باید کار را به شورای امنیت احاله کرد، تا تصمیمات جدی از جمله تحریم های گسترده به اجرا گذاشته شود و همچنین به آنان گفته شود، که به سیاست نیرنگ و تزویر آفرین شان باید پایان دهند. نزدیک به یک سال پیش آقای کلاس دیتر فرانکن برگر Klaus D. Frankenberger در روزنامه فرانکفورتر آلگماینر زایتونگ Frankfurter Allgemeiner Zeitung بتاريخ ۱۱ اکتبر ۲۰۰۴ در تحلیلی مهم زیر عنوان قدرت اتمی ایران؟ سخن از یک مرکز خطر نوین در منطقه تنش زای خلیج فارس بمیان آورده و می نویسد، حکومتگران در ایران با شتاب بیسابقه ای هدف خود یعنی کامل کردن برنامه هسته ای را دنبال می کنند و مدعی هستند که برای استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی است. به این سخن البته اتحادیه اروپا و آمریکا هیچ باور ندارند و یقین دارند که حکومت در ایران بدنبال تسلیحات اتمی از جمله کلاهک اتمی برای راکت های میان و دوربرد است که با آنها بتوانند مرکز اروپا را نشانه بگیرد. این مفسر سیاسی این پرسش رامطرح می کند که آیا می توان و باید پذیرفت که یک رژیم فنانیک اسلامی در خاورمیانه به تسلیحات اتمی دست بیابد و بر ضد آن هیچ اقدامی ننمود؟ و آقای فرانکن برگر می نویسد، بی جهت

نبود که یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان پیش از آغاز جنگ آمریکا و عراق گفته بود که خطر واقعی نه از سوی عراق بلکه از سوی ایران است که در نزدیکی دستیابی به تسلیحات هسته ای قرار گرفته است. شکی نیست که اگر ایران یک قدرت تسلیحاتی اتمی شود، این با خود یک وضعیت استراتژیک نوینی را در خاورمیانه و خلیج فارس و دریای مدیترانه شرقی بوجود می آورد که همراه با واکنش هایی از سوی دیگر کشورهای منطقه خواهد بود، از جمله اسرائیل اعلام کرده است که در این رابطه آرام نخواهد نشست، همانگونه که ۲۰ سال پیش در هنگامه جنگ ایران و عراق مرکز راکتور اتمی اوزیراک Ozirak در کشور عراق را بمباران کرد. و این پرسش هم پیش روی ما قرار دارد که چرا نباید که دیگر کشورهای منطقه از جمله عربستان و مصر و ترکیه و حتا سوریه در چارچوب سیاست راهبردی ثبات و امنیت ملی خود، دست به فناوری تسلیحات اتمی ببرند و در چرخه ای کلاسیک از دفاع اتمی قرار نگیرند؟ غرب و سه کشور اروپایی طرف مذاکرات با ایران دیگر نمی تواند بطور جدی کاری از پیش ببرند. حکومتگران در ایران از حسن نیت آنان سوء استفاده کرده هم آنان و هم حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را تا کنون فریب داده اند. فرانکن برگر در پایین نوشتار خود این چنین نتیجه می گیرد که شاید تنها راه حل ممکن این باشد که اروپایی ها دست از این مذاکرات دیپلماتیک و پرگویی های بیهوده با حکومت در ایران برداشته و بگونه ای قاطعانه به مانند پلیس های سخت گیر، به آنها بگویند که اگر به کنترل و بازرسی مراکز اتمی بر پایه قرارداد الحاقی تن در ندهند و دست از غنی سازی اورانیوم برندارند، مسئله به شورای امنیت ارجاع گشته، که فرایندش تحریم اقتصادی و جلوگیری از سرمایه گذاریهای غرب در ایران خواهد بود. در تاریخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۴ در همین روزنامه ها (FAZ) آقای هورست باسیا Horst Bacia زیر عنوان واپسین پیشنهاد، می نویسد: در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴ قرار است که بار دیگر شورای حکام انرژی اتمی در وین در نشست خود درباره برنامه اتمی ایران، از مسئولین حکومت در ایران این بار قویاً بخواهند که از برنامه غنی سازی اورانیوم برای همیشه چشم پوشی کنند، زیرا که آنها باور بر این ندارند که این برنامه در جهت دستیابی به تسلیحات اتمی پیش نمی رود. همچنین در کنفرانس G8 کشورهای صنعتی در واشنگتن قرار بر این شد که با پشتیبانی آمریکا، سه کشور اروپایی پیشنهادهای جدید به نماینده ایران آقای روحانی برای حل مشکل ارایه دهند که اگر باز هم ملایان آنرا نپذیرفتند، جریان را به شورای امنیت احاله دهند و در این راستا در آن هنگام آقای استراو وزیر خارجه انگلیس به آقای فیشر وزیر خارجه آلمان گفت، که ایران تنها پس از قبول نامحدود حذف برنامه غنی سازی اورانیوم می تواند در غرب ایجاد اعتماد کند و آقای فیشر هم یادآور شد که مقامات مسئول در ایران باید با واقع بینی به مسائل بنگرند و بی گدار به آب نزنند و بدانند که این فکر، یعنی آمریکا بخاطر گرفتاریهای خود در عراق، جبهه نبرد دیگری را در ایران نخواهند گشود، اشتباه می باشد.

برنامه انرژی اتمی ایران شگردی در راستای حفظ ... بقیه از ۲

فرایند انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری و بر کرسی قرار گرفتن احمدی نژاد در این جایگاه، نه تنها در وضع موجود تغییری تنش زدا بوجود نخواهد آورد بلکه تحلیل گران رسانه های گروهی بر این باورند که پروسه مذاکرات در رابطه با برنامه انرژی اتمی جمهوری اسلامی، روندی رادیکالتر را در پیش خواهد گرفت، زیرا که احمدی نژاد یک متعصب سیاسی مذهبی است و اسلام دگرترین را بر نمی تابد. در این رابطه آقای میشل لودرز Michael Lueders در فرانکفورت روندشائو Frankfurte Rundschau در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۵ اینطور می نویسد: در عرصه سیاست خارجی، تعیین کننده خطوط اصلی رهبر علی خامنه ای و شورای نگهبان، یعنی محافظه کاران اصول گرا خواهند بود که با زبانی دیگر در رابطه با برنامه اتمی ایران سخن خواهند گفت، زیرا که برای آنان فناوری اتمی و دستیابی به سلاح اتمی حربه ای است که آمریکا را از حمله به ایران باز خواهد داشت و حلقه محاصره ای را که سربازان آمریکایی در افغانستان و عراق و آسیای مرکزی به دورشان کشیده اند، آسیب پذیر خواهد نمود. برای ملایان آنچه که مهم است حفظ نظام و قدرت است به کمک فناوری هسته ای، یعنی دستیابی به تسلیحات اتمی. و آنها می دانند که در دستور کار شورای امنیت قرار دادن این مسئله و بدنبال آن رأی بر تحریم اقتصادی، از سوی دو کشور چین و روسیه که دارای منافع درازمدت در ایران هستند، وتو خواهد شد بنابراین با آرامش خیال به انتظار می نشینند تا غرب را مجبور به دادن پیشنهادات مناسب تری بکنند.

با توجه به آنچه که در روزشمار مذاکرات چند ساله برنامه انرژی اتمی آوردیم و همچنین ارایه تفسیر و تحلیل های رسانه های گروهی پیرامون سیاست خارجی و برنامه استفاده از فناوری هسته ای در پیشگفتار این نوشتار و تحولاتی که در این میان در جهان و منطقه و کشورمان پدیدار گشته، بگونه ای که برخی از مجهولات در معادله قدرت و زور آزمائی های سیاسی روز معلوم، یعنی شفاف گردیده اند، آیا به نیروهای مخالف این حکومت می تواند امید بست و نسبت به آینده کشور امیدوار بود؟ به عبارت دیگر آیا طلیعه ای از آن اراده مشترک را در میان آنان می توان دید؟ و سرانجام اینکه اپوزیسیون رژیم حاکم در نگرش و تحلیل از تحولاتی برنامه دیدیم و از آنها سخن بمیان آوردیم که نقش مؤثر و حساس در دگرگونی های آینده نزدیک در کشور ما خواهند داشت، در کجا قرار دارد و چه پاسخ های مشکل گشایی را برای حل معضل ۲۷ ساله گذشته، که گریبانگیر ملت ما گردیده است در دست دارد؟ این پاسخ ها هر گونه که باشند، دیگر نمی توانند با اگرها و ملاحظیات حسابگرانه و بازیهای سیاسی ای همراه شوند که برخی از گروه های سیاسی در درون و برون از کشور برای گرفتن آوانسهای از حاکمیت جمهوری اسلامی با آن به مماشات نشست و حقیقت را لوٹ می کنند و مردم را سرشکسته و ناامید. به باور ما این پرسش ها اینگونه می توانند مطرح گردند:

۱- آیا دستیابی به فناوری انرژی هسته ای تا مرز چرخه سوخت که کارشناسان ما رأساً بر آن احاطه ندارند و در تأسیسات اتمی کشور، هم اکنون صدها کارشناس روسی بکار مشغولند و همچنین با توجه به خطرات ناشی از تفاله های بجای مانده رادیو اکتیو از جمله رادون که تا صدها هزار سال بصورت گاز هوای محیط زیست را آلوده کرده و سرطان زا است، باید بعنوان یک حق ملی از آن به دفاع برخاست و به قول پژوهشگر فیزیک اتمی آقای دکتر واحدی «کسی نیست که پرسد مگر هر حقی را باید الزماً گرفت؟ مگر هر کار فنی قابل اجرایی را باید اجرا کرد؟ حقی که زندگی میلیونها نفر را به خطر بیاندازد، حق نیست، حقی که بر احترام متقابل استوار نباشد حق نیست. حقی که محیط زیست را مورد تهدید جدی و نابودی قرار دهد حق نیست. ما در ایران می خواهیم غولی را که نه فرهنگش را می شناسیم و نه به قاعده بازی با آن آشنا هستیم، از بطری بیرون بیاوریم تا برای آیندگان میلیونها سال موجب مرگ و رنج و نکبت بشود». ناگفته نگذاریم در کشوری بمانند آلمان که برخورد از یک تکنولوژی و فناوری هسته ای بهترین در عرصه بین المللی است، نزدیک به سه سال گذشته دولت سوسیال دمکرات ها و سبزها قانونی را از مجلس گذراندند که بر پایه آن تمامین نیروگاههای هسته آلمان به ترتیب تا سال ۲۰۳۰ باید تعطیل شوند و دیگر هم اجازه ای برای ساختن نیروگاه جدید داده نخواهد شد و این تنها بخاطر این است که آنها پس از تجربه ای فزون از سه دهه استفاده از انرژی اتمی، هنوز نتوانسته اند مسئله دفن و یا اسکان دادن تفاله های بجای مانده رادیو اکتیو اتمی را که تهدیدی جدی برای محیط زیست و نسل های آینده است علمی و کارشناسانه حل کنند.

۲- بر این پایه، باید از هماواری برخی از گروهها و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون که دم از حقوق ملی و ملی گرایی می زنند و در رابطه با برنامه انرژی اتمی جمهوری اسلامی، هماهنگ در شیپور تبلیغاتی آنان می دمند، پرسید که آیا آنها به مسائلی که در فراز اشاره بردیم، توجه دارند یا اینکه تنها مسئولیت شان در این خلاصه می شود که با واسطه قرار دادن «غرور ملی» یعنی چون پاکستان و هندوستان به فناوری هسته ای و تسلیحات اتمی دست یافته اند، ما هم این حق را داریم که در این راستا گام برداریم. به نظر می رسد که بخش بزرگی از نیروهای مخالف حاکمیت فرقه ای از جمله اصلاح طلبان در فضای ناشی از جوسازی عوامفریبانه و پوپولیستی رژیم، این جرأت و شهامت اخلاقی و سیاسی را ندارند که به مردم بگویند، راهی را که سردمداران حکومت اسلامی در رابطه با برنامه انرژی اتمی در برابر آژانس بین المللی انرژی اتمی و غرب در پیش گرفته اند، نه بخاطر دفاع از منافع، مصالح و امنیت ملی کشور ماست، بلکه تنها در خدمت به نظامی است که در ۲۷ سال گذشته کشور ما را در جهان، به انزوای سیاسی کشانده و این ادعای آنان یعنی استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی برای تولید نیرو برای این نسل و نسل های آینده، دروغ و ترفندی بیش نیست، زیرا که آماج نهایی آنان دست یافتن به تسلیحاتی اتمی است بگونه ابزار زور و

ای آفریدگار پاک

تو را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

بقیه از ص ۱

جهانی شدن اقتصاد

در آن زمان سالها بود که مصرف جهانی و در نتیجه تولید هم افزایش یافته بود. در این زمان کشورهای پیشرفته صنعتی - اروپا و آمریکا - متوجه شدند که قادر نخواهند بود همه کالاهای مصرفی را که باید به سایر کشورهای جهان صادر کنند، خود تولید نمایند و پس از بررسی های انجام شده به این نتیجه رسیدند که می بایست بخشی از این فراورده ها را در کشورهای دیگر تولید کرد.

صدور سرمایه به مفهوم امروزی آن تقریباً از اواخر دهه ۱۹۶۰ شروع شد. درست است که پیشتر هم صدور سرمایه صورت می گرفت، ولی اینکه در کشورهای در حال توسعه کارخانه ایجاد و لوازم و وسایل صنعتی در آنجا تولید شود در دهه ۶۰ آغاز گردید.

در میان کشورهای آسیائی سه کشور به دلیل شرایط خاص داخلی خود برای سرمایه گذاری مورد توجه قرار گرفتند که عبارت بودند از ایران تا کره جنوبی و تایوان. این شرایط یکی، داشتن تخصص - تکنوکرات و بوروکرات - دوم، امکانات و منابع داخلی و دیگری، وجود امنیت - از نوع استبدادی و دیکتاتوری آن - بودند که این آخری خود پاشنه آشیل یا چشم اسفندیار این حکومت ها هم بود.

این سه کشور ابتدا وارد یک فاز - صنعت مونتاژ - شدند، بدین ترتیب که یک سوم یا یک چهارم کالا، در کشور مادر تولید و بقیه آن در این کشورها ساخته می شد که در روند خود باعث پیدایش یک قشر متوسط در این کشورها گردید. ادامه صنعتی شدن و توسعه اقتصادی که با رشد این قشر متوسط همگام شد، بعد از مدتی تنش ها و اعتراضات اجتماعی در این کشورها شکل گرفت. از این رو کشورهای صنعتی به این نتیجه رسیدند که عدم وجود آزادیهای سیاسی و نبود دموکراسی با صنعتی شدن و توسعه و پیشرفت اقتصادی در تناقض است. افزون بر آن متوجه شدند که بخشی از پولهایی که برای توسعه اقتصادی و صنعتی شدن در نظر گرفته شده بود، بدلیل فساد ناشی از استبداد هیأت حاکمه، حیف و میل می گردد. بنابراین، همگام با پیشرفت و توسعه اقتصادی آزادیهای سیاسی نیز می باید گسترش یافته و تضمین گردد، در غیر این صورت توسعه اقتصادی امکان پذیر نبوده و شورش ها و تنش های اجتماعی همه چیز را از میان خواهد برد.

به یاد داشته باشیم در دهه ۱۹۸۰ در کره جنوبی، تایوان و شیلی تظاهرات وسیعی وجود داشت. در ایران نیز همانطور که می دانیم بدنبال اعلام درهای باز سیاسی، بحران جامعه را فرا گرفت. متأسفانه در آن شرایط تاریخی به دلیل خلاء قدرت و نبود مدیران سیاست که بتوانند بحران را مهار کرده و جامعه را در مسیر درست هدایت کنند و نیز به دلیل عدم درک درست و به موقع شرایط و نیز پشتیبانی از عقب مانده ترین قشرهای فکری جامعه، همه باعث شد که حکومت جمهوری اسلامی در ایران استقرار یابد.

در اینکه نظام سیاسی گذشته می بایست تغییر می یافت شکی نبود، آن سیستم با آن بافت و نیز شرایط اجتماعی و اقتصادی آن زمان دیگر علت وجودی خود را از دست داده بود، اما اینکه جمهوری اسلامی جایگزین آن شود، اشتباه بزرگ تاریخی بود - نمی خواهیم زیاد وارد این بحث بشوم، مسئله ایران را در فرصتی دیگر بررسی خواهیم کرد - سرنوشت ایران با این ترتیب مشخص شد که در حال حاضر وحشتناک ترین شرایط سیاسی و اقتصادیست.

آیا کره جنوبی، تایوان و شیلی از این تنگناها جان سالم بدر برده و توانستند بحران را پشت سر بگذارند. بقیه در ص ۵

« هر فردی حق زندگی، آزادی، امنیت شخصی را دارد ».

برگرفته از ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر

هم میهن!

حزب ملت ایران بارها هشدار داده است که ایران در برهه ی تاریخی بسیار خطرناک و حساس قرار گرفته و در حالی که استقلال و تمامیت ارضی از هر حیث در معرض خطر می باشد، گروهی با ندانم کاریهای در گفتار، نوشتار، کردار و شعارهای میان تهی و احساسی بدون توجه به شرایط ویژه حاکم بر منطقه و جهان زمینه های ناامنی و خشونت های بی مورد را در جامعه ایجاد می نماید که تمام این کارکردهای نادرست در راستای ایجاد هر چه فزون تر فضای اختناق و خاموش کردن ندا های آزادیخواهانه می باشد که خواه ناخواه منجر به بی ثباتی خواهد شد و استقلال و منافع ملی را بیش از پیش در خطر قرار می دهد. از جمله برخورد و به زندان کشیدن کارگران و رانندگان عضو سندیکای شرکت واحد که به جز خواسته های به حق صنفی درخواست دیگری نداشتند و اکنون نیز شاهد یورش به حسینیه شریعت محل برگزاری مراسم سوگواری امام سوم شیعیان که جایگاه گروهی از اهل تصوف که ریشه در تاریخ تشیع دارند، می باشیم. متأسفانه با حمله به عزاداران حسین و بگیر و ببند مردم معتقد مسلمان و به آتش کشیدن این جایگاه مقدس و بالاخره تخریب کامل آن و منزل مسکونی آقای سید احمد شریعت، متولی حسینیه، فاجعه دیگر پدید آمد.

پرسش این است که به چه مجوزی حسینیه و منزل شخصی واقف تخریب شده است؟

چنین است راه و رسم مپهورزی و عدالت خواهی!؟

حزب ملت ایران همواره مدافع آزادی مذاهب رسمی و اندیشه های فکری در جامعه ایران بوده و هست و به شدت به تخریب حسینیه شریعت، ملک وقفی شیعیان در شهر مقدس قم، اعتراض دارد و این امر را در پیوند با خواسته های غیر موجه گروهی از کاربدستان می داند.

حزب ملت ایران هر نوع واپس گرایی دینی و تعصب های مذهبی را که می تواند ریشه در توطئه های بیگانگان داشته باشد محکوم می نماید. در این راستا شیعیان و مردم بیگناه در عراق و نیز بمب گذاریها از جمله تخریب حرمین امام حسن عسگری (ع) و امام هادی (ع) در سامرا را نوعی بدکاری و زشت رفتاری و تعصب مذهبی دانسته و آن را محکوم می نماید. لازم است هر چه زودتر با نظر واقفان، حسینیه شریعت در قم بازسازی و با آزاد نمودن دستگیرشدگان این واقعه دغدغه خاطر این گروه از شیعیان برطرف گردد.

آزادی زندانیان سندیکای شرکت واحد و**زندانیان سیاسی را خواهیم****خواهان آزادی فکر و اندیشه می باشیم**

تهران، پنجم اسفند ماه ۱۳۸۴

دبیرخانه حزب ملت ایران

جهانی شدن اقتصاد

بقیه از ص ۴

شرایط کنونی آنها را همه می دانیم. در اینجا آماری را در ارتباط با کره جنوبی و تایوان یادآور می شوم: درآمد سرانه کره جنوبی ۹۵۰۰ دلار، تورم ۲/۸٪ و نرخ بیکاری ۳٪ است. تایوان دارای درآمد ۱۴۵۸۰ دلار، تورم ۲٪ و نرخ بیکاری ۵٪ است. ذخیره ارزی کره جنوبی ۲۰۷ میلیارد دلار و تایوان ۲۵۴ میلیارد دلار است. در شرایطی که درآمد سرانه ایران ۱۶۸۰ دلار، تورم بر اساس آمار اعلام شده ۱۷٪ - که بسیار بیش از این است - ذخیره ارزی ۳۲ میلیارد دلار در مقابل ۴۰ میلیارد دلار بدهی می باشد.

حال بنگریم، چرا کشورهای پیشرفته صنعتی حاضر شده اند بسیاری از فراورده های خود را در کشورهای در حال توسعه تولید نمایند. علت آن در واقع بالا رفتن مصرف جهانی است. به آمارهای شش کشور بزرگ صنعتی در سال ۱۹۵۰ و ۲۰۰۴ توجه می کنیم:

در سال ۱۹۵۰ تولید ناخالص آمریکا ۲۶۸، انگلستان ۳۷، آلمان ۲۳، فرانسه ۲۹، ایتالیا ۱۷ و ژاپن ۱۷ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۰۴، تولید ناخالص ملی آمریکا ۱۱۶۶۸، انگلستان ۲۱۴۱، فرانسه ۲۰۰۳، آلمان ۲۷۱۴، ایتالیا ۱۶۷۲ و ژاپن ۴۶۲۳ میلیارد دلار بوده است.

در واقع مجموع تولید ناخالص این شش کشور در سال ۱۹۵۰، رقم ۳۹۱ میلیارد و در سال ۲۰۰۴ برابر با ۲۴۸۳۱ میلیارد دلار و تفاوت آن ۲۴۴۳۰ میلیارد دلار بوده است.

حجم مبادلات خارجی در سال ۱۹۸۹ روزانه ۵۹۰ و در سال ۱۹۹۸، یعنی ۹ سال بعد به ۱۴۹۰ میلیارد دلار رسیده یعنی بیش از ۹ برابر شده است.

این ارقام نشان می دهد که مصرف کل جهان تا چه حد بالا رفته است. با توجه به اینکه بخش زیادی از این افزایش مصرف مربوط به کشورهای در حال توسعه می باشد، امکان تولید تمامی آن در کشورهای صنعتی امکان پذیر نیست. البته هزینه های حمل و نقل و دستمزدهای پایین در کشورهای در حال توسعه در این مورد تأثیرگذار بوده اند. گرچه در حال حاضر در کشورهای پیشرفته دستمزدها در بسیاری از رشته های صنعتی به عدد یک رقمی رسیده است.

گفتم سرمایه مالی مرزها را شکسته و به سمت کشورهای در حال رشد می رود و شرایط جهانی بگونه ای است که مقاومتی در برابر آن میسر نیست. در واقع جهانی شدن راهپیمایی تاریخ است که از چند دهه پیش آغاز شده است. راهپیمایی که نمی توان از آن جلوگیری کرده یا تغییرش داد.

یکی از نتایج مثبت جهانی شدن به گمان من این است که همگام با جهانی شدن، دموکراسی هم در کشورهای در حال توسعه پا گرفته و پیشرفت کرده است. تردید نیست که جهانی شدن با سیستم های متمرکز و استبدادی در تضاد است. نمونه های بارز آن کره جنوبی، تایوان، شیلی، آرژانتین، برزیل و مکزیک می باشند. در چین نیز تاکنون سه بار گامهایی در جهت خصوصی سازی و آزادیهای فردی برداشته شده است.

مطلب دیگر اینکه در کشورهای صاحب دموکراسی بخش خصوصی بسیار قوی است بطوریکه بین ۷۵ تا ۸۰٪ سرمایه را در اختیار دارد هیچ کشوری نمی توان نمونه آورد که بعنوان مثال ۸۵٪ سرمایه در اختیار دولت باشد و در آن دموکراسی وجود داشته باشد. در کشورهای سوسیالیستی سابق ۱۰۰٪ کل سرمایه در اختیار دولت بود.

در ارتباط با جهانی شدن دو نگرش وجود دارد یکی موافق و دیگری مخالف. مخالفان عنوان می کنند که جهانی شدن فاصله فقر و ثروت را زیاد کرده و می کند و به آمارهای سازمان ملل متحد استناد می کنند که در سال ۱۹۶۰ درآمد ۲۰٪ از

ثروتمندترین مردم جهان ۳۰ برابر درآمد فقیرترین بوده در حالیکه در سال ۱۹۷۷ - سی و هفت سال بعد- این رقم به ۷۴ برابر رسیده است. با اینکه ۷۹٪ درآمد مردم جهان را همین ۲۰٪ در اختیار دارند و ۵۸٪ مصرف انرژی و ۷۴٪ خطوط تلفن جهان را نیز به خود اختصاص داده اند، در شرایطی که ۲۰٪ از فقیران جهان ۴٪ درآمد، ۴٪ مصرف انرژی، ۱/۵٪ خطوط تلفن را در اختیار دارند.

در عوض موافقان می گویند که در سال ۱۹۷۰ از میانگین درآمد جهانی ۸۸٪ به کشورهای پیشرفته تعلق داشته و تنها ۱۲٪ از آن این کشورهای در حال توسعه بوده است. در حالی که همین رقم در سال ۱۹۹۵ به ۷۸٪ رسیده است یعنی کشورهای در حال توسعه ۱۰٪ بیشتر از سال ۱۹۷۰ بدست آورده اند، یا اینکه در سال ۱۹۶۰ تنها ۵٪ صادرات کشورهای در حال توسعه کالاهای تولیدی بود و ۹۵٪ مواد خام، ولی این روند ۴۰ سال بعد یعنی سال ۲۰۰۰ به ۶۰٪ افزایش یافته است. مطلب دیگر اینکه در سال ۱۹۸۰ یک میلیارد و سیصد میلیون انسان با روزی یک دلار زندگی می کرده اند. این رقم در سال ۱۹۹۵ به یک یک میلیارد و یکصد میلیون کاهش یافته است. هنگامی که به این دو آمار نگاه می کنیم متناقض بنظر می رسد، یکی نشان می دهد کشورهای در حال توسعه وضعیت بهتری پیدا کرده اند و دیگری عکس آن را نشان می دهد.

علت چیست؟

پیش تر درباره تولید ناخالص کشورها صحبت کردم. حدود دو ماه پیش بانک جهانی درآمد ناخالص داخلی بیست کشور جهان را در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد. من شش کشور را با یکدیگر مقایسه نموده ام. در این کشورها درآمد ناخالص ملی چندین برابر شده است. وقتی تولید افزایش می یابد بر ثروت کشور افزوده می شود. گرچه این افزایش ثروت مربوط به شرکت های چند ملیتی و کشورهای ثروتمند است، اما بخشی از آن سهم کشورهای در حال رشد می شود، شکی نیست درآمد بالا رفته و وضع زندگی مردم شان بهتر شده است.

در واقع، از زمانی که جهانی شدن آغاز شده دویست میلیون انسان که با روزی یک دلار زندگی می کرده اند به رده کسانی راه یافته اند که می توانند با روزی ۷ تا ۱۰ دلار زندگی کنند.

مسئله دیگر آنکه مجموع کشورهایی که در دایره جهانی شدن قرار می گیرند، همانند سلسله اعصاب بدن بهم مرتبط می باشند. برای مثال بحرانی که در سال ۱۹۹۷ در جنوب شرقی آسیا و در کره جنوبی اتفاق افتاد، سرعت به سنگاپور، مالزی و ژاپن کشیده شد و حتی کشورهای غربی را نیز تهدید کرد.

هنگامی که در کره جنوبی که در دایره سرمایه گذاری مالی جهان قرار دارد مشکل اقتصادی پیش می آید سرعت به لندن، نیویورک و توکیو هم کشیده می شود.

امروز بعنوان مثال یک شرکت کفش و کیف ایتالیایی پولش را از یک بانک آلمانی می گیرد و چرمش را به استرالیا یا زلاندو سفارش می دهد، کارخانه ای در چین این کفش و کیف را می دوزد و بنام کفش ایتالیا در بازارهای نیویورک، آمستردام، برلین، پاریس و لندن بفروش می رساند. تقسیم کار جهانی به این شکل صورت گرفته است.

اگر کشورهایی نخواهند یا نتوانند خود را با شرایط موجود هم آهنگ کنند با سرعت دگرگونی که در همه زمینه ها وجود دارد جبران عقب ماندگی شان بسیار دیر خواهد بود.

بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ شصت هزار شرکت چند ملیتی در سراسر جهان وجود داشته که ۲۵٪ تولید جهان و ۷۰٪ تجارت جهانی را در اختیار خود داشته و بالغ بر ۸۲۰۰۰۰ شرکت تابع خارجی دارند. •

پابنده ایران

ای آفریدگار پاک را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

حزب ملت ایران

دفتر اروپایی

سقوط جت فالکن سپاه پاسداران

هنوز از سقوط هواپیمای حامل خبرنگاران و تعدادی سرنشینان آن نمیگذرد که بامداد امروز هواپیمای دیگری که سرنشینان آن شامل فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران و معاونان وی و چند تنی دیگر بودند در نزدیکی دریاچه ارومیه بعلت نقص فنی سقوط نموده و تمامی سرنشینان آن بهلاکت رسیدند.

برای چندمین بار است که ملت ایران شاهد سقوط هواپیماهای فرسوده و هلاکت مسافران آن می باشد. مسئولان نظام اسلامی بجای چاره جوئی و از رده خارج کردن این نوع هواپیماها، با سرهم بندی کردن و تعمیرات جزئی، از آنها در خطوط هوایی استفاده می کنند که هرچند گاه باید شاهد سقوط این نوع هواپیماها و مرگ سرنشینان آن و به سوگ نشستن خانواده هایی که عزیزان خود را از دست داده اند، باشیم. مسئولان نظام جهت سرپوش نهادن بر قصور خود و همچنین برای تسکین آلام مصیبت دیدگان این فاجعه نام شهید بر روی کشته شدگان این گونه حوادث می گذارند و بدین وسیله ارزش و مقام شهید را هم از بین می برند.

شهید به کسی گفته می شود که در راه حق و عدالت و دفاع از مرز و بوم و ناموس کشورش مبارزه نموده و جان خود را فدا نماید. روزانه صدها بلکه هزاران تن در تصادفات به هلاکت می رسند آیا به آنها هم باید شهید گفت؟ البته که نه.

ما ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده هایی که در این حادثه عزیزان خود را از دست داده اند از آنان و دیگر مصیبت دیدگان حوادث پیشین میخواهیم با پیگیری و استقامت خود مسئولان این گونه فاجعه های دلخراش را تحت تعقیب قرار داده تا مقصران اصلی مشخص و پاسخگوی خون این عزیزان باشند و در این راه بطور حتم مردم ایران شما را حمایت و پشتیبانی خواهند نمود.

نوزدهم دیماه ۱۳۸۴ خورشیدی

آیا مردم ایران حق دارند که...!

بقیه از ص ۱

در راه جبران عقب ماندگی های گذشته برداشته و همگام با دنیای پرشتاب و پیشرفته کنونی به پیش روند.

مردم ایران حق دارند بپرسند، پولی را که باید صرف ایجاد کار و رهایی مردم از بلای فقر و ناداری آنان گردد چرا و به چه دلیل در اختیار دولت های تروریست پرور گذارده می شود؟

آنها حق دارند بپرسند که درآمد حاصل از بیست و هفت سال فروش نفت و گاز به کجا رفته و به چه مصارفی رسیده است؟ با دزدان و غارتگران دارایی های عمومی و ملی چه کرده و چه خواهند کرد؟

مردم حق دارند بپرسند، میلیاردها دلار اجناس قاچاق چگونه، توسط چه کسانی و از چه راههایی وارد کشور می شود؟

مردم حق دارند بپرسند که چرا می خواهند پای ملت ایران را که به حق توانایی آنرا دارد که روزی پرچمدار خلع سلاح اتمی در منطقه و جهان گردد به جنگی ناخواسته و نابرابر بکشانند؟

بپرسند فقر و بی نوایی کنونی را چه نظامی برای مردم به ارمان آورده است، چرا میلیون ها جوان این مملکت بدلیل فقر، بیکاری و نداشتن امید به آینده به دامان مواد انسان کش مخدر کشانده شده یا از کشور می گریزند؟

حق دارند بپرسند و بدانند که عوامل فساد و رشوه خواری و حشمتناک و بی سابقه در کشور چه کسانی هستند؟

در کشوری که کوروش فرمانروای بزرگش دو هزار و ششصد سال پیش بنیانگذار حقوق بشر بوده، چرا مواد منشور جهانشمول حقوق بشر در ایران به اجرا گذارده نمی شود؟ و در شرایطی که در دنیای کنونی زنان بیش از گذشته مقام و موقعیتی برابر با مردان بدست می آورند، چرا زنان ایران از کمترین حقوق اجتماعی محروم بوده و شهروند درجه دوم به حساب می آیند؟

سرانجام: مردم حق دارند بپرسند، که نمایندگان الله بر روی زمین، از چه هنگام، در کجا و برای چه مدتی مأموریت اعمال جنایت، غارتگری و سرکوب مردم آزادی خواه و میهن دوست ایران را دارند؟

اینها و دهها حقوق دیگر که کاربدستان جمهوری اسلامی از ملت ایران سلب کرده اند و پیرامون آنها هر نوع بحث و گفت و گوئی را جرم می شناسند و تنها به این اکتفا کرده اند که مردم ایران حق غنی سازی اورانیوم را در کشور خود دارند!

آیا شرم آور نیست؟

تهران - دوازدهم بهمن ماه ۱۳۸۴ خورشیدی

درآمد نفت باید صرف ایجاد کار، تولید و افزایش ثروت ملی گردد

برنامه انرژی اتمی ایران شگردی در راستای حفظ ... بقیه از ۳

قلدری برای پیشبرد خواسته‌های ایدئولوژیک سیاسی و مذهبی در منطقه و جهان، زیرا که مسئولین جمهوری اسلامی با درک بسته و انجمادی سیاسی مکتبی و قرون وسطایی خود از مسایل جهان امروز و نظم حاکم بر آن، می‌خواهند در گستره سیاست جهانی چونان جاهلان با عریبه جویی عرضه اندام کنند و کار خود از پیش ببرند.

باز گردیم به پرسش نخستین، یعنی امر دستیابی به فناوری هسته ای که حاکمیت در ایران آن را بدور از همه خطراتیکه بر شمرديم بعنوان تنها گزینه برای تولید انرژی بشمار آورده که آماج اصلی آن دست یافتن به تسلیحات اتمی است، که دیگر نه بر مردم ایران و نه بر دنیای خارج پنهان مانده است. این انتقاد بر مخالفان رژیم و بویژه پژوهشگران و کارشناسان تولید انرژی هم وارد است که چرا تاکنون با توجه به ذخائر نفت و گاز و همچنین باد و آفتاب که کشور ما پر از آن برخوردار است، آلترناتیو دیگری، ارائه نداده اند که بتواند بگونه ای علمی پاسخگوی نیازهای ملی مردم ایران در حال و آینده باشد؟ نمونه هایی از یک چنین گزینه های پیشرفته فناوری تولید انرژی از باد و آفتاب را ما با وجود شرایط نامناسب جوی در اروپا و از جمله در آلمان می بینیم. تنها کشور پرتغال در این راستا برای استفاده از انرژی حرارتی آفتاب نزدیک به یک میلیارد یورو سرمایه گذاری می کند. بنابراین مسئولیت و وظیفه ملی مخالفان جمهوری اسلامی، تنها در این سخن نمی تواند خلاصه گردد که در رابطه با برنامه فناوری انرژی اتمی جمهوری اسلامی به بهانه دفاع از حق ملی و یا غرور ملی، خود را همراه با تبلیغات مردم فریبانه و پوپولیستی عوامل حکومت در تحریک احساسات ملی و افکار عمومی مردم ایران کرده، زبان بر گفتن واقعیات فرو بندند و موضع صریح خود را در تقابل با حاکمیت با نوعی سازش و مماشات بیرنگ سازند. و اینجا است که برآستی باید گفت، که مردم ایران در گشایش و فهم و درک این کلاف سردرگم سیاسی چه باید بکنند؟ این پرسش و بسیاری پرسش های دیگر همچنان باز پیش روی ما قرار دارند، که آیا به نیروهای مخالف این حکومت می توان امید بست و نسبت به آینده کشور امیدوار بود؟ به عبارت دیگر آیا آن طلیعه ای از اراده مشترک را در میان آنان می توان دید؟

پاسخ به این پرسش با تحلیلی که در فراز نسبت به آن بیانیه و موارد شبیه به آن ارائه دادیم، به باور ما این چنین می تواند باشد که

الف - سخن از کدامین نیروهای مخالف این حکومت می توان بمیان آورد و به آنها امید بست؟

ب- و آن طلیعه برخاسته از اراده مشترک را در میان مواضع سیاسی بگونه شفاف، که استوار بر واقعیات و تحولات منطقه و جهانی باشد، چگونه می توان بررسی نمود تا بتوان در راستای دفاع از منافع و مصالح ملی و رسیدن به مردمسالاری به یک اتحاد عمل و همراهی و هماهنگی سیاسی برای نجات میهن مان رسید. *

پیروزی پهلوانان تیم کشتی آزاد ایران

در مسابقه های جام جهانی کشتی آزاد که برای نخستین بار در ایران و در شهر ساری مرکز استان مازندران برگزار شد، تیم کشتی آزاد ایران با پیروزی به تیم کوبا به مقام قهرمانی رسید.

مسابقه های جام جهانی کشتی آزاد بصورت تیمی برگزار می شود و در آن تیم های برتر کشتی آزاد جهان از سه قاره آسیا، اروپا و آمریکا شرکت دارند.

در این دوره از مسابقه ها تیم کوبا به مقام نایب قهرمانی دست یافت و تیم های اوکراین و روسیه دوم و سوم شدند.

ما این پیروزی بزرگ را به قهرمان ملی و جامعه ورزشی و به مردم ایران صمیمانه شادباش می گوئیم.

نامه ای از مهربان ایرانی

بقیه از ص ۸

سنی بالایی قرار دارند ولی معتقدم هر یک از ما تا زمانی که رسالت خود را به انجام نرسانده ایم حتی در بستر مرگ هم باید مبارزه کنیم، در این مورد هیچ عذر و بهانه ای قابل قبول نیست.

ما به نیروی جوان احتیاج داریم، بسیاری از جوانان و دانشجویان با ما هم رأی و هم عقیده هستند ولی راه چه باید کرد نمی شناسند.

ما باید درها را بگشاییم، از برخورد عقاید نهراسیم. به استقبال و رویایی با مسائل گوناگون باید رفت.

باید دست در دست هم با پتانسیل بالا و قوی به جلو برویم. فراموش نکنیم، اشتباه تاریخی جبهه ملی در زمان انقلاب اعتماد بیش از حد به روحانیون بود، همین اعتماد باعث شد که هدفهای ملی به بیراهه کشیده شود والا در تاریخ ۵۶ ساله جبهه ملی، ما به غیر از حرکت در مسیر درست و کسب اعتبار، افتخار و پیروزی چه چیز کم داشته ایم؟

درست است که از انقلاب ضربه خوردیم ولی این امر نباید باعث شود که احساس سرخوردگی کنیم. از اشتباه باید درس گرفت و در جبران آن کوشید.

هر یک از ما باید بکوشیم مصدق زمان خود باشیم، لازمه آن از خود گذشتگی، پایداری، اعتماد به نفس و داشتن هدف والای ملی است.

به امید آن روزی که جبهه ملی مؤثر و کارساز در صحنه مبارزات سیاسی ایران باشد.

به امید پیروزی و سربلندی ملت ایران
با آرزوی تندرستی و موفقیت شما عزیزان

نامه ای از مهربان ایرانی

هـ . الف . سایه

در پرده خون

بهار آمد بیا تا داد عمر رفته بستانیم
به پای سرو آزادی سر و دستی برافشانیم
به عهد گل زبان سوسن آزاد بگشاییم
که ما خود درد این خون خوردن خاموش میدانیم
نسیم عطر گردان بوی خون عاشقان دارد
بیا تا عطر این گل در شام جان بگردانیم
شرار ارغوان واخیز خون نازنینان است
سمندروار جانها بر سر این شعله بنشانیم
جمال سرخ گل در غنچه پنهان است ای بلبل
سرودی خوش بخوان کز مزده صبحش بخندانیم
گلی کز خنده اش گیتی بهشت عدن خواهد شد
زرنگ و بوی او رمزی به گوش دل فروخوانیم
سحر کز باغ پیروزی نسیم آرزو خیزد
چه پرچم های گلگون کاندلر آن شادی برقصانیم
بدست رنج، هر ناممکنی، ممکن شود آری
بیا تا حلقه اقیال محرومان بجنبانیم
الا ای ساحل امید، سعی عاشقان دریاب
که ما کشتی در این طوفان به سودای تو می رانیم
دلا در یال آن گلگون گردون ناز چنگ انداز
مبادا کز نشیب این شب سنگین فرمانیم
شقایق خوش رهی در پرده خون می زند سایه!
چه بی راهیم اگر همخوانی این نغمه نتوانیم



خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه جبهه ملی ایران خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی
هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد
نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

دوستان عزیز جبهه ملی،

مدتی است سخن از یکدست و یکپارچه شدن جبهه ملی برونمرز افکار بسیاری از ما را به خود مشغول کرده است. گر چه این امر بگمان من بسیار دیر و بقول معروف در دقیقه ۹۰ صورت می گیرد، ولی باز هم جای بسی خوشحالی است.

اما نکته مهم و قابل توجه اینجاست که گویا ما با فراغ خاطر و گشاده وقتی به استقبال این جریان می رویم. نکند خدای ناکرده به افکارمان خطور کرده است پس از ۲۷ سال که صبر کردیم بینیم ۲۷ سال آینده چه خواهد شد؟

علناً مشاهده می کنیم که برخی از دوستان خواسته یا ناخواسته دفع الوقت می کنند. به این دوستان توصیه می کنیم کمی بخود آییم و دیدگانمان را باز کنیم و به شرایط اسفناک حاکم بر کشور و دردهای بی پایان مردم بنگریم. ما کشتی هدفهایمان را رها کرده و آنرا به ساحل نجات نرسانده ایم. ما باید تکلیف آنهایی را که چشم امید به تک تک ما دوخته اند، جوانانی را که از ما توقع تلاش و حرکت در جهت نجات دارند روشن کنیم.

تکلیف نظامهای استبدادی که معلوم است، آنها امتحان خود را داده اند اما پرونده جبهه ملی درخشان است. جبهه ملی چراغی است که می تواند از اعماق تاریکی رژیم دیکتاتوری راه نجات ایران را نشان دهد و امید به پیروزی را در دلها زنده نگاهدارد.

اما اکنون به نظر می رسد که این چراغ امید، کم فروغ گشته و رو به خاموشی می رود، بیاییم این چراغ را فروزان نگاه داریم.

کمی انصاف داشته باشیم و با خود و با مردم روراست باشیم. زندگی نامه، مبارزات و اهداف زنده یاد مصدق را دوباره خوانی کنیم و صادقانه از خود بپرسیم آیا ذره ای از آن صداقت را در خود و در مبارزه خود می بینیم.

رژیم در نبود یک اپوزیسیون قاطع و قدرتمند است که ترک تازی می کند. کار به جایی رسیده که طرفداران نظام های استبدادی چپ و راست نیز احساس قدرت و برتری دوباره می کنند و صحنه اپوزیسیون را خالی از رقیب توانمند می بینند.

همانطور که بارها گفته ام، من با هیچ گروه و دسته خاصی مخالفت ندارم و موافق با رقابت سالم در صحنه سیاسی کشور هستم. به دموکراسی بسیار ارج می نهم، ولی با این وجود نمی خواهم آرمان جمهوری خواهی خود را بازپچه دست گروهها و کسانی قرار دهم که پیشینه تاریخی خوبی ندارند. من معتقدم که باید برای رسیدن به آرمان پیکار کرد و از دوستان هم خواهش می کنم که خود را آماده پیکار سیاسی کنند و لباس رزم بپوشند.

من می دانم بسیاری از اعضاء جبهه ملی در مقطع

بقیه در ص ۷